

## **A Critical Review of the Lessons and Rubrics of Master's Degree in Entrepreneurship at Universities and its Impact on Empowerment of Students**

**Mohammad Masum\***

**Reza Mohammadkazemi\*\*, Sadaf Sartipy\*\*\***

### **Abstract**

Universities, as the main custodians of expertise, play a key role in the development of entrepreneurship. Studies show that entrepreneurial education not only promotes entrepreneurial growth but also enhances entrepreneurial skills. However, despite the need to provide quality and practical training to entrepreneurship students, many students and graduates of this field did not consider the provided training to be of acceptable quality and could not prepare to enter the business world after this training. The aim of this research is critical review of lessons and rubrics of Master's degree in Entrepreneurship at universities and its impact on empowerment of students. In order to achieve this goal, the mentioned rubrics and lessons were evaluated from different aspects. In this regard, students and graduates of Entrepreneurship Faculty in University of Tehran between the 1388 to 1398 were selected as statistical population. The results of data analysis show that lessons and rubrics of Master's degree in Entrepreneurship at universities has a significant impact on enhancing academic ability of the students and graduates (Entrepreneurial knowledge and attitudes), Preparing students to enter the job market, preparing students to start a business,

---

\* Master of Entrepreneurship, Tehran University, Tehran, Iran, m.masum2003@gmail.com

\*\* Associate Professor of Entrepreneurship Faculty, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author), r\_mkazemi@ut.ac.ir

\*\*\* PhD Candidate of Entrepreneurship, Tehran University, Tehran, Iran, sadaf\_sartipi@yahoo.com

Date received: 2020-11-21, Date of acceptance: 2021-04-25



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۳۴۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۰

preparing students to upgrade previous businesses and mentioned rubrics and lessons fit the needs of the work environment.

**Keywords:** Entrepreneurship, Universities, Educational Rubrics.

## نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تأثیر آن در توان‌مندسازی دانشجویان

محمد معصوم\*

رضا محمد کاظمی\*\*، صدف سرتیپی\*\*\*

### چکیده

دانشگاه‌ها در جایگاه متولی اصلی پرورش نیروی متخصص نقشی کلیدی در توسعه کارآفرینی دارند. مطالعات نشان می‌دهد که آموزش‌های کارآفرینی نه تنها باعث رشد کمی کارآفرینان می‌شود، بلکه موجب ارتقای سطح مهارت‌های کارآفرینی نیز می‌گردد. با وجود ضرورت ارائه آموزش‌های باکیفیت و کاربردی به دانشجویان رشته کارآفرینی، بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته آموزش‌های ارائه‌شده را دارای کیفیت قابل قبولی نمی‌دانند و نتوانسته‌اند پس از طی این آموزش‌ها برای ورود به دنیای کسب‌وکار آماده شوند. بنابراین، این تحقیق با هدف نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تأثیر آن در توان‌مندسازی دانشجویان طراحی شد و به مرحله اجرا درآمد. بدین منظور دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته کارآفرینی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران که بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در این دانشکده در حال تحصیل بوده‌اند به‌منزله جامعه آماری انتخاب شدند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی تأثیر قابل توجهی در افزایش توان علمی، آماده‌سازی به‌منظور ورود به بازار کار، آماده‌سازی با هدف راه‌اندازی کسب‌وکار، و ارتقای کسب‌وکارهای پیشین دارد و دروس مذکور با نیازهای محیط کار تناسب دارند.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی، دانشگاه‌ها، سرفصل‌های آموزشی.

\* کارشناس ارشد کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، m.masum2003@gmail.com

\*\* دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، r\_mkazemi@ut.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، sadaf\_sartipi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵



## ۱. مقدمه

یکی از نیازهای جدی زندگی در دنیای پرشتاب امروز، که حجم و سرعت تحولات و دگرگونی‌های آن در تمام قرون و اعصار بشر بی‌سابقه است، شکل‌دادن به تحولات و نوآوری‌های آموزشی به‌ویژه در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است؛ چراکه این امر یکی از مؤثرترین زمینه‌هایی است که ما را قادر می‌سازد تا فاصله خود را با تحولات و دگرگونی‌های جهانی کم‌تر کنیم (رحیمی‌مند و عباس‌پور ۱۳۹۵).

یکی از اولین مسائل در اصلاح رشته‌های دانشگاهی توجه به برنامه‌داری و محتوای آموزشی است. برای دستیابی به این مهم بررسی سرفصل‌های درسی برای رفع کاستی‌ها و تبدیل چالش‌ها و تهدیدها به فرصت‌ها ضروری است (فخاری ۱۳۹۵).

سرفصل‌های درسی به‌منزله یکی از ارکان اصلی آموزش، درکنار راه‌بردهای تدریس و کتاب‌های مناسب می‌تواند نقش به‌سزایی در تحقق و پیش‌برد اهداف هر درس داشته باشد (متقی‌زاده و دیگران ۱۳۹۳).

برنامه‌داری و سرفصل‌های دروس در دانشگاه‌ها یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت نظام آموزشی رشته‌های تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان است، زیرا برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی راه‌نمای عملی مدرس و دانشجویان (قربان‌زاده‌سوار ۱۳۹۲). هم‌چنین، با توجه به این‌که راه‌نمای اصلی استادان و دانشجویان در کشور ما «برنامه‌داری» است، توجه به محتوا و مفاهیم عمده سرفصل‌های برنامه‌داری درسی دانشگاهی بسیار ضروری می‌نماید (متقی‌زاده و دیگران ۱۳۹۳).

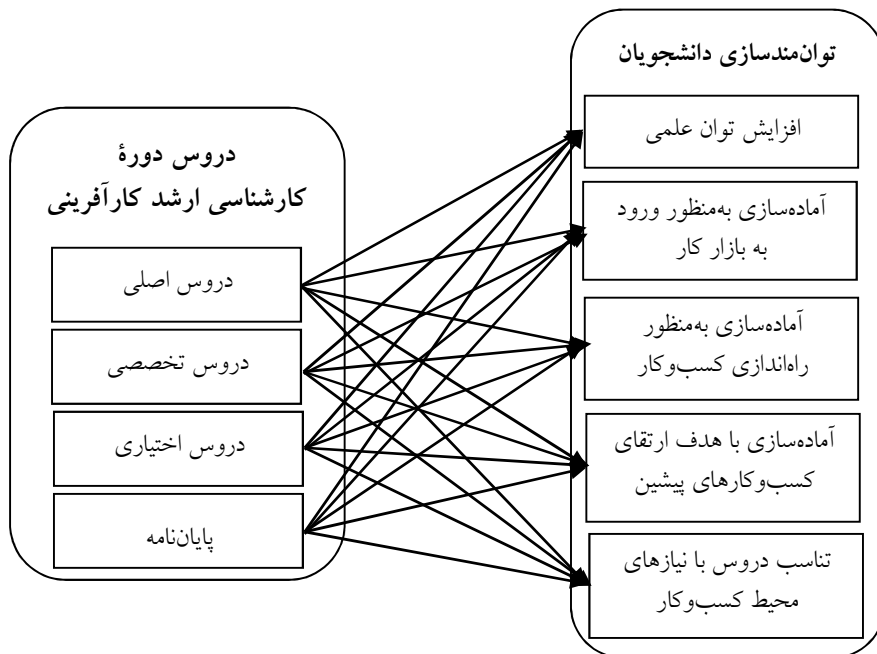
از طرفی، در عصر حاضر با توجه به افزایش بی‌اطمینان محیطی، نبود قطعیت، و چالش‌های زیاد یکی از راه‌کارهای مؤثر برای این‌که سازمان‌ها بتوانند خود را با تحولات سریع انطباق دهند و به‌شکل پویا و زنده به حیات خود ادامه دهند، گرایش به کارآفرینی است (Tajeddini 2010).

امروزه کارآفرینی به‌منزله موتور رشد و توسعه سازمان‌ها و جوامع شناخته می‌شود و برای داشتن ساختار اقتصادی قدرتمند و مرفه امری حیاتی به حساب می‌آید (Saiz- Alvarez et al. 2014) و با توسعه کارآفرینی فرصت‌های اقتصادی جدید نیز ظهور می‌یابد و کسب‌وکارهای جدیدی در جامعه پدید می‌آید و کل اقتصاد شکوفا می‌شود (رستمعلی‌زاده و علی‌جمعه‌زاده ۱۳۹۷).

اما رشد و توسعه کارآفرینی در جامعه مستلزم ایجاد زمینه‌های آن است و وجود اوضاع و احوال مناسب برای توسعه کارآفرینی اهمیت بسیاری دارد (محمدزاده و دیگران ۱۳۹۵). واقعیت این است که برخورداری از سطوح بالای کارآفرینی در جامعه مستلزم ایجاد و توسعه زمینه‌های آن است و چون کارآفرینی شامل رفتارهای مشهود نیز می‌شود، قابل آموزش و تعلیم‌دادن است. از جمله عوامل مؤثر در ارتقای سطح و توسعه فرهنگ کارآفرینی جوامع آموزش آن در دانشگاه‌هاست. دانشگاه‌ها در جایگاه متولی اصلی پرورش نیروی متخصص جامعه نقشی کلیدی و تعیین‌کننده در توسعه کارآفرینی در کشور دارند. از این رو، یکی از مهم‌ترین و جدیدترین مأموریت‌های کلیدی دانشگاه‌ها توسعه و پرورش کارآفرینان بالقوه است (زالی و رضوی ۱۳۸۳). مطالعات نشان می‌دهد که آموزش‌های کارآفرینی نه تنها باعث رشد کمی کارآفرینان می‌شود، بلکه موجب تحول در نسل‌های کارآفرینی و ارتقای سطح مهارت‌های کارآفرینی به‌ویژه در طراحی راه‌بردهای کسب‌وکار و مدیریت بنگاه‌داری می‌گردد (طالبی و زارع یکتا ۱۳۸۷).

اما نکته حائز اهمیت در این میان آن است که با وجود ضرورت ارائه آموزش‌های باکیفیت و کاربردی به دانشجویان این رشته، بنابر اظهار نظر بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، آموزش‌های ارائه شده در دوره کارشناسی ارشد و دکتری این دوره کیفیت قابل قبولی ندارد و نتوانسته است به‌طور شایسته دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته را برای ورود به دنیای کسب‌وکار آماده سازد؛ به طوری که بسیاری از فارغ‌التحصیلان این رشته پس از اتمام تحصیلات خود به جای راه‌اندازی کسب‌وکارهای شخصی در پی جذب در سازمان‌های دولتی و خصوصی‌اند و تعداد قابل توجهی از آن‌ها با وجود علاقه زیاد موفق به راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی نمی‌شوند.

توجه به آن چه پیش‌تر در خصوص اهمیت رشته کارآفرینی و نیز جایگاه سرفصل‌های آموزشی در پرورش فارغ‌التحصیلان توانمند و نیز ضعف بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته کارآفرینی در راه‌اندازی کسب‌وکارهای شخصی اشاره شد، این ضرورت را ایجاد کرد تا در پژوهشی جامع و در قالب مدل مفهومی ارائه شده در شکل ۱ دروس و سرفصل‌های این رشته نقد و بررسی شود و میزان تأثیرگذاری این دروس در توان‌مندسازی دانشجویان و آماده‌سازی آن‌ها به‌منظور ورود به بازار کار ارزیابی گردد. در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش کلیدی هستیم که دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها چه تأثیری در توان‌مندسازی دانشجویان دارند.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

## ۲. اهداف پژوهش

### ۱.۲ هدف اصلی

- نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تأثیر آن در توان‌مندسازی دانشجویان.

### ۲.۲ اهداف فرعی

- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه)؛
- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی در آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور ورود به بازار کار؛
- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی در آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار؛

- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی در آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور ارتقای کسب‌وکارهای پیشین؛
- بررسی میزان تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب‌وکار.

### ۳. مبانی نظری تحقیق

#### ۱.۳ کارآفرینی

امروزه کارآفرینی به‌منزله‌ی موتور رشد و توسعه‌ی سازمان‌ها و جوامع شناخته می‌شود (Saiz- Alvarez et al. 2014) و نقش مهمی در رشد اقتصادی و اشتغال در سطح اجتماعی ایفا می‌کند (Vuorio et al. 2018).

باتوجه‌به دگرگونی‌های وسیع عصر اطلاعات از بین سه انقلاب دیجیتالی، اینترنتی، و کارآفرینی، انقلاب کارآفرینی نقشی به‌سزا در رشد کشورهای توسعه‌یافته داشت و پیشرفت بسیاری از کشورها مرهون فعالیت‌های کارآفرینانه است. در نتیجه، کارآفرینی موتور رشد و توسعه‌ی اقتصادی شناخته می‌شود (Anokhin et al. 2008).

هم‌چنین، در سال‌های اخیر بسیاری از سازمان‌های بزرگ کارآفرینی را به‌منزله‌ی روشی برای کسب مزیت رقابتی در بلندمدت استفاده می‌کنند (محمدکاظمی و دیگران ۱۳۹۰)؛ چراکه کارآفرینی کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت بشر در عصر جدید تلقی می‌شود (شوهانی و دیگران ۱۳۹۴).

کارآفرینی موضوعی پژوهشی است که در طول چند دهه گذشته توجه زیادی را به‌سوی خود جلب کرده است (حسینی و خسروی‌لقب ۱۳۹۶). تحقیقات صورت‌گرفته این‌گونه اظهار داشته‌اند که کارآفرینان و به‌طور خاص شایستگی‌های آن‌ها نقشی کلیدی و محوری برای موفقیت کسب‌وکارها ایفا می‌کند (Kyndt and Baert 2015).

کارآفرینی فرایندی است که در افراد، هم به‌صورت فردی و هم درون سازمان‌ها، بدون توجه به منابع موجود و دردسترس به‌دنبال بهره‌برداری از فرصت‌هاست (Chen et al. 2008). در تعریفی دیگر نیز کارآفرینی فرایند کشف و بهره‌برداری از

فرصت‌های سودآور معرفی شده است (Hanohov and Baldacchino 2018).

فعالیت‌های کارآفرینی تأثیر زیادی در اقتصاد دارد و برای کشورهای درحال‌توسعه نیز بسیار حائز اهمیت است (پسنیده‌فرد و کیانی ماوی ۱۳۹۷). تحقیقات مختلف نیز مؤید اثر مثبت کارآفرینی در بقاء، سودآوری، و رشد بنگاه‌هاست (Kellermanns et al. 2008).

تاریخچه توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته مستندات برای حمایت از این واقعیت فراهم می‌آورد که اقتصاد تحت‌تأثیر کارآفرینی است. پارسون و اسمسler کارآفرینی را یکی از دو شرط ضروری توسعه اقتصادی می‌دانند. شومپتر نیز به علت نقش کارآفرینی در ایجاد نوآوری آن را محور کلیدی توسعه اقتصادی تلقی می‌کند (سپهوند و مغویی‌نژاد ۱۳۹۴). هانکلو و همکارانش نیز اقتصاد کشورها را تحت‌تأثیر فعالیت‌های کارآفرینانه می‌دانند (Hancioğlu et al. 2014).

### ۲.۳ بررسی سرفصل‌های رشته کارآفرینی

برنامه‌ریزی درسی یکی از ارکان و شاخه‌های اساسی تعلیم و تربیت و فرایند آموزش به‌شمار می‌آید. بی‌تردید برنامه‌ریزی مناسب آموزشی گامی است که در سایه آن دیگر گام‌های آموزش معنا پیدا می‌کند؛ بدین معنا که به‌کارگیری روش تدریس مناسب و طراحی کتابی هدف‌مند برای تدریس در سایه وجود برنامه‌ریزی مناسب و منسجم محقق می‌شود. از این رو، وجود الگو یا برنامه درسی مناسب راه‌گشای خوبی در امر آموزش محسوب می‌گردد (متقی‌زاده و دیگران ۱۳۹۳).

برنامه درسی و سرفصل‌های دروس در رشته‌های تحصیلی دانشگاه در مقاطع تحصیلی مختلف به‌منابه نقشه راه دانشجوی و استاد است تا در پرتو آن دانشجوی علم بیاموزد و استاد در سایه آن تدریس کند (قربان‌زاده‌سوار ۱۳۹۲).

دوره کارشناسی ارشد کارآفرینی یکی از دوره‌های تحصیلی آموزش عالی است و هدف از تشکیل این دوره توسعه منابع انسانی خلاق، هوش‌مند، و مهارت‌آموخته در راه‌اندازی کسب‌وکار، تربیت سیاست‌گذاران و کارشناسان کارآفرینی موردنیاز دولت و بخش عمومی، و تولید محتوای آموزشی و دانش بومی کارآفرینی است (شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۳۸۷).

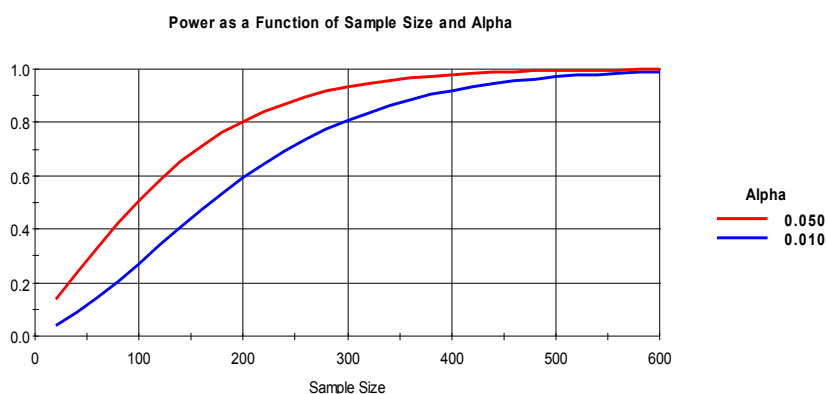
طبق دستورالعمل شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی سال ۱۳۸۷ دوره کارشناسی ارشد، رشته کارآفرینی مشتمل بر ۳۲ واحد شامل دروس اصلی (۱۴ واحد)، دروس تخصصی (۱۰ واحد)، دروس اختیاری (۴ واحد)، و پایان‌نامه (۴ واحد) است.

### ۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر پارادایم فرااثبات‌گراست که با رویکرد کمی صورت پذیرفته است. همچنین، استراتژی در این تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش



تمامی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته کارآفرینی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران است که بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار تعیین حجم نمونه SPSS sample power برآورد شده است. در روش مذکور شاخص‌هایی چون خطای نوع اول، نوع دوم، بازه اطمینان، توان آزمون، اندازه اثر، و ... در حجم نمونه تأثیرگذارند. در این باره، مطابق با شکلی که در پی می‌آید، نرم‌افزار دو سناریوی مختلف را برای سطوح خطای ۰.۰۱ و ۰.۰۵ به دست آورد که برای خطای ۰.۰۱ حجم نمونه ۲۹۶ و برای خطای ۰.۰۵ حجم نمونه ۱۹۹ نفر است.



شکل ۲. حجم نمونه

از آنجاکه در علوم انسانی محقق باید احتمال وقوع پدیده‌ها را تا حد ۹۹٪ محاسبه کند، سناریوی اول مناسب‌تر است. بنابراین، با خطای نوع اول ۱٪ و خطای نوع دوم ۲۰٪ دقت نتایج در سطح اطمینان ۹۹٪ و توان آزمون ۸۰٪ محقق توانسته است بر مبنای اندازه اثری معادل ۰.۲ حجم نمونه ۲۹۶ نفر را تخمین زند؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد این نمونه قدرت پیش‌بینی و تعمیم‌پذیری نتایج را تضمین می‌کند. توضیح این نکته ضروری است که به منظور اطمینان بیش‌تر ۳۵۰ پرسش‌نامه با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس توزیع شد و پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و حذف پرسش‌نامه‌های ناقص تعداد ۳۰۳ پرسش‌نامه به منظور تجزیه و تحلیل انتخاب گردید. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتاب‌خانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه محقق‌ساخته متشکل از بیست سؤال با طیف پنج‌گانه لیکرت) استفاده شده است. در این پرسش‌نامه سؤالات یک تا چهار مربوط به متغیر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان (دانش و نگرش

کارآفرینانه)، سؤالات پنج تا هشت مربوط به متغیر آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور ورود به بازار کار، سؤالات نُه تا دوازده مربوط به متغیر آماده‌سازی دانشجویان برای راه‌اندازی کسب‌وکار، سؤالات سیزده تا شانزده مربوط به متغیر آماده‌سازی دانشجویان با هدف ارتقای کسب‌وکارهای پیشین، و سؤالات هفده تا بیست مربوط به متغیر میزان تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب‌وکار است. در این پژوهش به‌منظور اطمینان از پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق از معیار آلفای کرونباخ استفاده شده است. هم‌چنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس پی اس اس و آزمون t تک‌نمونه‌ای بهره گرفته شده است.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های حاصل از توزیع پرسش‌نامه‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تجزیه و تحلیل شده است.

### ۱.۵ آمار توصیفی

#### ۱.۱.۵ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

در این قسمت ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری تشریح می‌شود. ویژگی‌هایی که در این بخش مورد تحلیل قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: جنسیت، سن، و وضعیت شغلی. جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	زن	۱۵۷	٪۵۱٫۸	۱۵۷	٪۵۱٫۸
	مرد	۱۴۲	٪۴۶٫۹	۲۹۹	٪۹۸٫۷
	نامشخص	۴	٪۱٫۳	۳۰۳	٪۱۰۰
	جمع	۳۰۳	٪۱۰۰	۳۰۳	٪۱۰۰
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۵۷	٪۱۸٫۸	۵۷	٪۱۸٫۸
	۲۵ تا ۳۰ سال	۹۱	٪۳۰	۱۴۸	٪۴۸٫۸
	بالتر از ۳۰ سال	۱۴۹	٪۴۹٫۲	۲۹۷	٪۹۸
	نامشخص	۶	٪۲	۳۰۳	٪۱۰۰
	جمع	۳۰۳	٪۱۰۰	۳۰۳	٪۱۰۰

متغیر	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
وصفیات توصیفی	شاغل در بخش دولتی مرتبط با رشته تحصیلی	۱۲	٪۴	۱۲	٪۴
	شاغل در بخش دولتی غیرمرتبط با رشته تحصیلی	۴۸	٪۱۵٫۸	۶۰	٪۱۹٫۸
	شاغل در بخش خصوصی مرتبط با رشته تحصیلی	۷۱	٪۲۳٫۴	۱۳۱	٪۴۳٫۲
	شاغل در بخش خصوصی غیرمرتبط با رشته تحصیلی	۳۹	٪۱۲٫۹	۱۷۰	٪۵۶٫۱
	شاغل در کسب‌وکار شخصی	۷۷	٪۲۵٫۴	۲۴۷	٪۸۱٫۵
	فاقد شغل	۴۹	٪۱۶٫۲	۲۹۶	٪۹۷٫۷
	نامشخص	۷	٪۲٫۳	۳۰۳	٪۱۰۰
	جمع	۳۰۳	٪۱۰۰	۳۰۳	٪۱۰۰

### ۲.۱.۵ بررسی توصیفی شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق

در این بخش بررسی توصیفی شاخص‌های تحقیق آورده می‌شود. ویژگی‌هایی که در این بخش موردتحلیل قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: چولگی و کشیدگی. جدول ۲ ویژگی‌های مذکور را برای سؤالات تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۲. بررسی توصیفی شاخص‌های تحقیق

شاخص	چولگی		کشیدگی	
	آماره	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد
سؤال ۱	-927	.140	1.324	.279
سؤال ۲	-641	.140	-412	.279
سؤال ۳	-722	.140	-581	.279
سؤال ۴	-593	.140	-412	.279
سؤال ۵	-111	.140	-781	.279
سؤال ۶	-1.001	.140	.196	.279
سؤال ۷	-.014	.140	-1.327	.279
سؤال ۸	-.288	.140	-.317	.279
سؤال ۹	-.830	.140	1.107	.279
سؤال ۱۰	-.699	.140	-.399	.279
سؤال ۱۱	.039	.140	-1.114	.279

شاخص	چولگی		کشیدگی	
	آماره	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد
سؤال ۱۲	-519	.140	-363	.279
سؤال ۱۳	.006	.140	-848	.279
سؤال ۱۴	-814	.140	-351	.279
سؤال ۱۵	-015	.140	-1.213	.279
سؤال ۱۶	.036	.140	-1.003	.279
سؤال ۱۷	-681	.140	-599	.279
سؤال ۱۸	-694	.140	-581	.279
سؤال ۱۹	-183	.140	-239	.279
سؤال ۲۰	-091	.140	-586	.279

مطابق با نظر کلین (۲۰۰۵) باتوجه به نوع داده‌های پژوهش، که در قالب طیف لیکرت است، برای تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌ها باید شاخص‌های پژوهش و متغیرهای آن از نظر شکل توزیع و براساس شاخص‌های چولگی و کشیدگی مورد ارزیابی قرار گیرند. اگر چولگی و کشیدگی شاخص‌ها حد مجاز را رعایت کرده باشد، شرط لازم برای نرمال بودن توزیع داده‌ها برقرار خواهد شد؛ اما برای نتیجه قطعی شاخص‌های چولگی و کشیدگی متغیرها نیز باید بررسی گردد. بر این اساس، طبق نتایج جدول ۲، تمامی شاخص‌های تحقیق دارای چولگی بین (۳ و -۳) و کشیدگی بین (۵ و -۵) است؛ بنابراین، شرط لازم برای نرمال بودن برقرار است.

جدول ۳. بررسی توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین		انحراف معیار		چولگی		کشیدگی	
	آماره	آماره	آماره	آماره	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد	
افزایش توان علمی	۲/۱۴۹۷	۰/۷۲۹۰۳	۰/۹۲۰	۰/۲۰۰	۰/۵۳۶	۰/۳۹۷		
آماده‌سازی برای ورود به بازار کار	۲/۱۶۷۸	۰/۷۰۲۶۵	۰/۹۹۶	۰/۲۰۰	۱/۲۷۸	۰/۳۹۷		
آماده‌سازی به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار	۲/۲۵۹۲	۰/۷۰۲۹۱	۱/۱۶۷	۰/۲۰۰	۱/۰۶۱	۰/۳۹۷		
آماده‌سازی برای ارتقای کسب‌وکارهای پیشین	۲/۲۸۲۹	۰/۶۴۴۰۲	۱/۸۶۱	۰/۲۰۰	۲/۸۶۱	۰/۳۹۷		
تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب‌وکار	۲/۳۱۵۲	۰/۷۶۷۹	۰/۷۶۳	۰/۲۰۰	-۰/۲۶۷	۰/۳۹۷		

هم‌چنین، مطابق با نظر استیون (۲۰۰۲) برای آن‌که اطمینان حاصل کنیم داده‌های بی‌تفاوت در مجموعه تحقیق وجود ندارد، پراکندگی پاسخ‌های افراد برای هر متغیر باید بزرگ‌تر از ۰.۵ باشد که باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده برای تمامی متغیرها پراکندگی بالای ۰/۵ است. به‌علاوه، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، شرط کافی برای نرمال‌بودن توزیع داده‌ها آن است که ضرایب چولگی و کشیدگی متغیرها حد مجاز را رعایت کرده باشند که باتوجه به نتایج جدول ۳ این امر برای همه متغیرها مشهود است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که توزیع داده‌های تحقیق از الگوی زنگوله‌ای یا نرمال تبعیت می‌کند و می‌توان برای تحلیل داده‌ها در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

## ۲.۵ آمار استنباطی

در این بخش به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه را تحلیل می‌کنیم. ابتدا، پایایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش (پرسش‌نامه) بررسی شده است و پس از آن هریک از اهداف پژوهش به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱.۲.۵ پایایی

پایایی یا قابلیت اعتماد یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. این مفهوم با این امر سروکار دارد که ابزار در اوضاع و احوال یک‌سان تا چه‌اندازه نتایج یک‌سانی را به‌دست می‌دهند (سرمد و دیگران ۱۳۹۰). در این پژوهش به‌منظور سنجش پایایی از معیار آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷ نشان دهنده پایایی قابل قبول است (Cronbach 1951). جدول ۴ ضریب آلفای کرونباخ را برای پرسش‌نامه پژوهش ارائه می‌کند.

جدول ۴. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه

آلفای کرونباخ	پرسش‌نامه
۰.۸۴۳	

باتوجه به این‌که مقدار مناسب آلفای کرونباخ ۰.۷ است (Cronbach 1951) و مطابق یافته‌های جدول ۴، مقدار به‌دست‌آمده بیش‌تر از ۰.۷ است، می‌توان گفت پایایی پرسش‌نامه مناسب است.

## ۲.۲.۵ تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی در افزایش توان علمی (دانش و نگرش کارآفرینانه)

جدول ۵. تأثیر دروس در افزایش توان علمی

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۱	۳.۲۸	۰.۸۴۷	۳.۸۸	دروس اصلی
۲	۲.۵۹	۱.۱۳۵	۳.۳۷	دروس تخصصی
۴	۱.۶۲	۰.۸۷۵	۲.۵۳	دروس اختیاری
۳	۲.۵۲	۱.۱۱۷	۳.۳۳	پایان‌نامه

نتایج این بخش حاکی از آن بوده است که میزان تأثیرگذاری هریک از گروه‌های درسی در افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در سطح نمونه یک‌سان نبوده و سرفصل‌های ارائه‌شده در هر درس توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان می‌دهد تا توان علمی خود را به‌منظور استفاده در زندگی شخصی و محیط‌های علمی و شغلی افزایش دهند و همچنین، آمادگی خود را برای شرکت در آزمون‌های ورودی مقاطع بالاتر افزایش دهند. براساس یافته‌های این بخش، گروه دروس اصلی، دروس تخصصی، پایان‌نامه، و دروس اختیاری به‌ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان داشته است. همچنین، این جدول نشان می‌دهد که میانگین تأثیر نمرات دروس اصلی، دروس تخصصی، و پایان‌نامه در افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه) بالاتر از مقدار استاندارد ۳ است. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر دروس اصلی، دروس تخصصی، و پایان‌نامه در افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه) در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ t تک‌نمونه‌ای می‌رویم.

جدول ۶. آزمون t تک‌نمونه‌ای مربوط به تأثیر دروس در افزایش توان علمی

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
				سطح اطمینان ۹۵٪	حد بالا / حد پایین
دروس اصلی	18.165	302	.000	.88449	.7887 / .9803
دروس تخصصی	5.770	302	.000	.37624	.2479 / .5046
دروس اختیاری	-9.318	302	.000	-.46865	-.5676 / -.3697
پایان‌نامه	5.142	302	.000	.33003	.2037 / .4563

براساس نتایج جدول ۶، با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است یا مقدار Sig که کم‌تر از ۰.۰۵ است، در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد ۳ تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد تأثیر دروس اصلی، تخصصی، و پایان‌نامه در افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه)، حد بالا و پایین هر دو مثبت است، می‌توان گفت که میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد. هم‌چنین، در خصوص تأثیر دروس اختیاری در افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه) از آن‌جا که حد بالا و پایین هر دو منفی است، می‌توان گفت که میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد.

### ۳.۲.۵ تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی در آمادگی به منظور ورود به بازار کار

جدول ۷. تأثیر دروس در آماده‌سازی به منظور ورود به بازار کار

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۲۱	۱.۰۸۳	۲.۷۴	دروس اصلی
۱	۳.۴۵	۱.۰۳۸	۴.۰۶	دروس تخصصی
۳	۲.۱۸	۱.۲۲	۲.۶۹	دروس اختیاری
۴	۲.۱۵	۰.۸۴۷	۲.۷۳	پایان‌نامه

براساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تأثیرگذاری هریک از گروه‌های درسی در آماده‌سازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به منظور ورود به بازار کار در سطح نمونه یک‌سان نیست و هر گروه درسی توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان می‌دهد تا بتوانند نظرات کارفرمایان را به توان‌مندی‌های شغلی خود جلب کنند و شغل مدنظر خود را به دست آورند. براساس این یافته‌ها، گروه دروس تخصصی، که به‌طور مستقیم در کسب توان‌مندی‌های تکنیکی دانشجویان تأثیرگذار است، توانسته است با اختلاف قابل توجهی در مقایسه با دیگر گروه‌های درسی رتبه نخست را به دست آورد. پس از آن نیز گروه‌های دروس اصلی، دروس اختیاری، و پایان‌نامه به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در آماده‌سازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به منظور ورود به بازار کار داشتند. هم‌چنین، این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمرات تأثیر دروس تخصصی در افزایش آماده‌سازی دانشجویان به منظور ورود به بازار کار بالاتر از مقدار استاندارد ۳ است. بنابراین، می‌توان

گفت که تأثیر دروس تخصصی در افزایش آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور ورود به بازار کار در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین، به سراغ  $t$  تک‌نمونه‌ای می‌رویم.

جدول ۸. آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای تأثیر دروس در آمادگی به‌منظور ورود به بازار کار

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد بالا	حد پایین
دروس اصلی	-4.189	302	.000	-26073	-3832	-1383
دروس تخصصی	17.810	302	.000	1.06271	.9453	1.1801
دروس اختیاری	-4.320	302	.000	-30363	-4419	-1653
پایان‌نامه	-5.423	302	.000	-26403	-3598	-1682

براساس نتایج جدول ۸، با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است یا مقدار Sig که کم‌تر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد ۳ تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد تأثیر دروس اصلی، اختیاری، و پایان‌نامه در افزایش آماده‌سازی به‌منظور ورود به بازار کار حد بالا و پایین هر دو منفی است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد. هم‌چنین، در خصوص تأثیر دروس تخصصی در افزایش آماده‌سازی به‌منظور ورود به بازار کار از آن‌جاکه حد بالا و پایین هر دو مثبت است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد.

#### ۴.۲.۵ بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی در آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار

جدول ۹. تأثیر دروس در آماده‌سازی به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۹۱	۰.۸۴۸	۳۸۵	دروس اصلی
۱	۳.۰۴	۰.۹۴۵	۴	دروس تخصصی
۴	۱.۷۶	۱.۱۸	۲۶۶	دروس اختیاری
۳	۲.۲۹	۱.۰۷۳	۳۳۸	پایان‌نامه



بر اساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تأثیرگذاری هریک از گروه‌های درسی در آماده‌سازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار در سطح نمونه یکسان نیست و هر گروه درسی توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برای راه‌اندازی کسب‌وکار می‌دهد. بر اساس یافته‌های این بخش، گروه دروس تخصصی، دروس اصلی، پایان‌نامه، و دروس اختیاری به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در آماده‌سازی دانشجویان به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار داشته است. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش به‌هم‌راه نرخ قابل توجه ۲۵ درصدی راه‌اندازی کسب‌وکارهای شخصی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نشان‌دهنده موفقیت آموزش‌های کارآفرینی در تربیت و آموزش کارآفرینان و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه است.

هم‌چنین، این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمرات تأثیر دروس اصلی، دروس تخصصی، و پایان‌نامه در افزایش آماده‌سازی به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار بالاتر از مقدار استاندارد ۳ است. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر دروس اصلی، دروس تخصصی، و پایان‌نامه در افزایش آماده‌سازی برای راه‌اندازی کسب‌وکار در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ  $t$  تک‌نمونه‌ای می‌رویم.

جدول ۱۰. آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای تأثیر دروس در آمادگی به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد بالا	حد پایین
دروس اصلی	17.528	302	.000	.85479	.7588	.9507
دروس تخصصی	18.532	302	.000	1.00660	.8997	1.1135
دروس اختیاری	-4.947	302	.000	-.33663	-.4705	-.2027
پایان‌نامه	6.212	302	.000	.38284	.2616	.5041

بر اساس نتایج جدول ۱۰، باتوجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است یا مقدار Sig که کم‌تر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد ۳ تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد تأثیر دروس اصلی، تخصصی، و پایان‌نامه در افزایش آماده‌سازی به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار، حد بالا و پایین

هر دو مثبت است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد. همچنین، در خصوص تأثیر دروس اختیاری در افزایش آماده‌سازی برای راه‌اندازی کسب‌وکار، از آن‌جاکه حد بالا و پایین هر دو منفی است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد.

### ۵.۲.۵ بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی در آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور ارتقای کسب‌وکارهای پیشین

جدول ۱۱. تأثیر دروس در آماده‌سازی به‌منظور ارتقای کسب‌وکارهای پیشین

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۳۱	۰.۹۳۷	۲.۹۲	دروس اصلی
۱	۳.۳۵	۰.۹۸۳	۴.۰۵	دروس تخصصی
۴	۲.۰۸	۱.۱۸۷	۲.۶۹	دروس اختیاری
۳	۲.۲۶	۱.۱۱۷	۲.۸۴	پایان‌نامه

بر اساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تأثیرگذاری هر یک از گروه‌های درسی در آماده‌سازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برای ارتقای کسب‌وکارهای پیشین در سطح نمونه یک‌سان نبود و هر گروه درسی توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در راه ارتقای کسب‌وکارهای پیشین می‌دهد. بر اساس یافته‌های این بخش، هم‌چون بخش پیشین، گروه دروس تخصصی، دروس اصلی، پایان‌نامه، و دروس اختیاری به‌ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار داشته است. همچنین، جدول ۱۱ نشان می‌دهد که میانگین نمرات تأثیر دروس تخصصی در افزایش آماده‌سازی دانشجویان به‌منظور ارتقای کسب‌وکارهای پیشین بالاتر از مقدار استاندارد ۳ است. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر دروس تخصصی در افزایش آماده‌سازی دانشجویان برای ارتقای کسب‌وکارهای پیشین در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛ به‌طوری‌که دانشجویان و دانش‌آموختگان با بهره‌گیری از اصول علمی و دانش مرتبط با کسب‌وکار درمورد اصلاح مسائل و مشکلات کسب‌وکار خود اقدام می‌کنند و از این طریق کسب‌وکارهای موجود را ارتقا می‌دهند. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ تک‌نمونه‌ای می‌رویم.

جدول ۱۲. آزمون t تک‌نمونه‌ای مربوط به تأثیر دروس در آماده‌سازی به‌منظور ارتقای کسب‌وکارهای پیشین

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد بالا	حد پایین
دروس اصلی	-1.410	302	.160	-0.07591	-0.1819	.0300
دروس تخصصی	18.571	302	.000	1.04950	.9383	1.1607
دروس اختیاری	-4.450	302	.000	-0.30363	-0.4379	-0.1694
پایان‌نامه	-2.519	302	.012	-0.16172	-0.2880	-0.0354

براساس نتایج جدول ۱۲، باتوجه‌به مقدار t یا t value مربوط به دروس تخصصی، دروس اختیاری، و پایان‌نامه که خارج از بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است یا مقدار Sig که کم‌تر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض H0 رد و فرض H1 پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین تأثیر دروس تخصصی، دروس اختیاری، و پایان‌نامه در آماده‌سازی به‌منظور ارتقای کسب‌وکارهای پیشین با عدد ۳ تفاوت دارد. اما درخصوص تأثیر دروس اصلی در آماده‌سازی برای ارتقای کسب‌وکارهای پیشین باتوجه‌به مقدار t یا t value که داخل در بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است یا مقدار Sig که بیش‌تر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض H1 رد و فرض H0 پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین تأثیر دروس اصلی در آماده‌سازی برای ارتقای کسب‌وکارهای پیشین با عدد ۳ تفاوت ندارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون درمورد تأثیر دروس اختیاری و پایان‌نامه در افزایش آماده‌سازی برای ارتقای کسب‌وکارهای پیشین حد بالا و پایین هر دو منفی است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد. هم‌چنین، درخصوص تأثیر دروس تخصصی در افزایش آماده‌سازی برای ارتقای کسب‌وکارهای پیشین از آن‌جاکه حد بالا و پایین هر دو مثبت است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد.

## ۶.۲.۵ بررسی میزان تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب‌وکار

جدول ۱۳. تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب‌وکار

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۹۸	۰.۹۹۳	۳.۹۹	دروس اصلی
۱	۲.۹۹	۰.۹۹۳	۴	دروس تخصصی
۳	۲.۱۴	۰.۹۳۳	۳.۱۱	دروس اختیاری
۴	۱.۸۹	۱.۰۳۸	۲.۸۲	پایان‌نامه

براساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تناسب سرفصل‌های آموزشی هر یک از گروه‌های درسی با نیازهای محیط کسب‌وکار یکسان نیست؛ به طوری که سرفصل‌های آموزشی گروه‌های دروس تخصصی، دروس اصلی، دروس اختیاری، و پایان‌نامه به ترتیب بیش‌ترین تناسب را با نیازهای محیط کسب‌وکار داشتند. اما نکته قابل توجه آن است که با وجود نتیجه به دست آمده در این بخش مبنی بر تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب‌وکار می‌بینیم که فقط ۲۷٪ از اعضای نمونه در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود فعالیت دارند و ۱۶٪ از اعضای نمونه شغلی ندارند. این تناقض را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که فعالیت‌نداشتن بسیاری از اعضای نمونه در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی و بی‌کاری بخش دیگری از آنان می‌تواند ناشی از دلایلی غیر از تناسب‌نداشتن سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب‌وکار باشد. دلایلی هم‌چون تمایل‌نداشتن یا نیازنداشتن به کارکردن، مغایرت در رشته تحصیلی مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و گرایش برخی از اعضای نمونه به رشته تحصیلی مقطع کارشناسی، علاقه‌مندی به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، و ...

هم‌چنین، جدول ۱۳ نشان می‌دهد که میانگین نمرات میزان تناسب دروس اصلی، تخصصی، و اختیاری با نیازهای محیط کسب‌وکار بالاتر از مقدار استاندارد ۳ است. بنابراین می‌توان گفت که میزان تناسب دروس اصلی، تخصصی، و اختیاری با نیازهای محیط کسب‌وکار در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ  $t$  تک‌نمونه‌ای می‌رویم.

جدول ۱۴. آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای مربوط به تأثیر دروس در افزایش توان علمی

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
دروس اصلی	17.408	302	.000	.99340	.8811	1.1057
دروس تخصصی	17.523	302	.000	1.00000	.8877	1.1123
دروس اختیاری	2.155	302	.032	.11551	.0100	.2210
پایان‌نامه	-2.932	302	.004	-.17492	-.2923	-.0575

براساس نتایج جدول ۱۴، با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است یا مقدار Sig که کم‌تر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$

پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد ۳ تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد میزان تناسب دروس اصلی، تخصصی، و اختیاری با نیازهای محیط کسب‌وکار حد بالا و پایین هر دو مثبت است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد. همچنین، در خصوص میزان تناسب پایان‌نامه با نیازهای محیط کسب‌وکار، از آن‌جاکه حد بالا و پایین هر دو منفی است، می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

امروزه عامل انسانی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در رشد و توسعه جوامع است. به طوری که تربیت نیروی متخصص و کارآمد در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به توسعه پایدار و متوازن منجر می‌گردد. از سوی دیگر، اقتصاد یکی از ارکان اصلی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و کارآفرینی موتور محرکه توسعه اقتصادی کشورها نامیده شده است. با توجه به رشد روزافزون جامعه دانشگاهی کشور و خیل عظیم فارغ‌التحصیلان جویای کار، بررسی مسئله «اشتغال» از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به همین علت، در سالیان اخیر «آموزش کارآفرینی» در قالب دوره‌های مختلف دانشگاهی و غیردانشگاهی در کشور رواج پیدا کرد و مورد توجه مسئولان قرار گرفت. نکته مهمی که در ارزیابی کیفیت دوره‌های آموزش کارآفرینی وجود دارد وضعیت اثرگذاری این آموزش‌ها بر میزان آمادگی افراد برای ورود به محیط کسب‌وکار است.

اهمیت مقوله کارآفرینی و تربیت کارآفرینان موجب شد تا در این پژوهش تلاش گردد تا دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تأثیر آن در توان‌مندسازی دانشجویان نقد و بررسی شود. یافته‌های پژوهش مبین این امر بود که در مجموع آموزش‌های کارآفرینی ارائه‌شده در دانشگاه‌ها و دروس و سرفصل‌های آموزشی این رشته نقش به‌سزایی در توان‌مندسازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان داشته است؛ به طوری که علاوه بر نظرات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مبنی بر مفید بودن دروس و سرفصل‌های آموزشی این رشته، توفیق اغلب اعضای نمونه در کسب موقعیت‌های شغلی می‌تواند مؤید این مسئله باشد.

آموزش‌های کارآفرینی علاوه بر ایجاد انگیزه در افراد برای موفقیت و اقدام عملی به منظور راه‌اندازی کسب‌وکار به ایجاد و اشاعه فرهنگ کارآفرینی نیز کمک شایانی می‌کند.

از این رو، برای افزایش مشارکت، موفقیت، و رقابت‌پذیری دانشجویان و دانش‌آموختگان نیاز به مداومت و عزمی قوی در ایجاد اندیشه کارآفرینی دارند. اگر تحصیلات دانشجویان و دانش‌آموختگان موجب ایجاد ذهنیت کارآفرینی در آن‌ها شود، احتمال موفقیت آنان بیش‌تر خواهد شد. مهارت‌های کارآفرینی ذاتی نیستند، مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، ارتباطات، تحمل ریسک، کار تیمی، و اعتماد به نفس مواردی است که می‌توان آن‌ها را آموخت. چگونگی به‌دست آوردن این مهارت‌ها بسیار متفاوت است و راه‌های بسیار زیادی برای انجام این کار وجود دارد، اما مطمئناً جامع‌ترین روش آموزش کارآفرینی است.

از سوی دیگر، بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان توانمند در حوزه مختلف که توانایی تولید محصولات و خدمات ارزش‌مندی را دارند، به علت فقدان آموزش‌های کارآفرینی توان ایجاد کسب‌وکارهایی را که بتواند علاوه بر خلق ارزش و سودآوری نیاز داخلی کشور را به این محصولات و خدمات برطرف سازد ندارند. بر این اساس، می‌توان نرخ نسبتاً پایین کارآفرینی را در دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های دیگر شاهدی بر لزوم توسعه آموزش‌های کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای آموزش کارآفرینی برای آن‌ها دانست.

یافته‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش به روش‌های مختلف در پژوهش‌های دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفته که در این بخش به برخی از این پژوهش‌ها و نتایج آن‌ها اشاره می‌شود. طالبی و زارع یکتا (۱۳۸۷) آموزش کارآفرینی دانشگاهی را در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان مؤثر دانسته‌اند. زالی و رضوی (۱۳۸۳) نیز در مطالعه خود ضمن بررسی تحلیلی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها این آموزش‌ها را بر توان‌مندسازی دانشجویان بسیار مؤثر دانسته‌اند. کماشی (۱۳۹۰) نیز تأثیر آموزش‌های کارآفرینی دانشگاهی را در میزان آمادگی افراد برای ورود به کسب‌وکار قابل توجه ارزیابی کرده است.

در مجموع، می‌توان گفت که دروس ارائه‌شده در مقطع کارشناسی ارشد کارآفرینی توانسته است تا حد قابل‌قبولی به اهداف خود، که همان توسعه منابع انسانی خلاق، هوش‌مند، و مهارت‌آموخته در راه‌اندازی کسب‌وکار و تربیت سیاست‌گذاران و کارشناسان کارآفرینی موردنیاز دولت و بخش عمومی است، نائل گردد. گرچه این توفیق از ضرورت بازنگری مداوم و اصلاح و به‌روزرسانی دروس و سرفصل‌های آموزشی مطابق با نیازهای روز جامعه نمی‌کاهد. در این باره، بهره‌گیری توأم از خبرگان دانشگاهی در حوزه کارآفرینی و کارآفرینان برتر کشور (به‌ویژه کارآفرینانی که تحصیلاتشان در زمینه کارآفرینی است) می‌تواند به تدوین سرفصل‌ها و محتوای آموزشی مناسب‌تر منجر گردد.

## کتاب‌نامه

- پسندیده‌فرد، کبری و رضا کیانی ماوی (۱۳۹۷)، «شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای موفقیت آموزش کارآفرینی و توسعه اقتصادی براساس مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره»، *مطالعات نوین کاربردی در مدیریت و اقتصاد*، ش ۱.
- حسینی، سیدیعقوب و زهره خسروی‌لقب (۱۳۹۶)، «شناسایی عوامل مؤثر بر قصد و نیت رهبری و کارآفرینی دانشجویان دختر (مورد مطالعه: دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، *زن و جامعه*، ش ۸.
- رحیمی‌مند، مریم و عباس عباسپور (۱۳۹۴)، «رابطه روش‌های تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخن‌رانی) با انگیزه پیشرفت در دانشجویان»، *روان‌شناسی تربیتی*، ش ۱۲.
- رستم‌علی‌زاده، ولی‌اله و پروین علی‌جمعه‌زاده (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران»، *توسعه اجتماعی*، ش ۱۲.
- زالی، محمدرضا و سیدمصطفی رضوی (۱۳۸۳)، «بررسی تحلیلی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، ش ۴.
- سپهوند، رضا و مهدیه مغویی‌نژاد (۱۳۹۶)، «تأثیر مدیریت منابع انسانی عملکرد بالا بر کارآفرینی سازمانی با نقش واسطه‌ای رفتار شهروندی سازمانی»، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ش ۲۶.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان، و الهه حجازی (۱۳۹۰)، *روش‌های پژوهش در علوم رفتاری*، تهران: آگه.
- شوهانی، محمدحسین، محمد احسانی، و مژگان صالحی‌پور (۱۳۹۴)، «رابطه بین فرهنگ سازمانی و کارآفرینی سازمانی کارکنان کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران»، *مدیریت منابع انسانی در ورزش*، ش ۳.
- طالبی، کامبیز و محمدرضا زارع یکتا (۱۳۸۷)، «آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) دانش‌بنیان»، *توسعه کارآفرینی*، ش ۱.
- فخاری، علی‌رضا (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی برنامه درسی رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۱۶.
- قربان‌زاده‌سوار، قربانعلی (۱۳۹۲)، «دروس دوره کارشناسی علوم سیاسی واقعیت‌ها، ضرورت‌ها و انتظارات مطالعه موردی: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۱۳.
- متقی‌زاده، عیسی، کبری روشنفکر، و سجاد اسماعیلی (۱۳۹۳)، «نقد و بررسی سرفصل درس متون نظم و نثر رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی و ضرورت بازنگری در آن»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۱۴.
- محمدزاده، یوسف، صمد حکمتی فرید، و کبری میرعلی‌اشرافی (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر روی توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب»، *توسعه کارآفرینی*، ش ۹.

محمد کاظمی، رضا، حمید قاسمی، و محمدرضا رستم‌بخش (۱۳۹۰)، «شناسایی و تحلیل موانع رفتاری کارآفرینی سازمانی در سازمان تربیت بدنی (وزارت ورزش) کشور»، پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ش ۱.

- Anokhin, S., D. Grichnik, and R. D. Hisrich (2008), "The Journey from Novice to Serial Entrepreneurship in China and Germany: Are the Drivers the Same", *Managing Global Transitions*, vol. 6, no. 2.
- Chen, Y. et al. (2015), "IT Capabilities and Product Innovation Performance: The Roles of Corporate Entrepreneurship and Competitive Intensity", *Information & Management*, vol. 52, no. 6.
- Cronbach, Lee J. (1951), "Coefficient Alpha and the Internal Structure of Tests", *Psychometrika*, vol. 16, no. 3.
- Hancıoğlu, Y., Ü. B. Doğan, and Ş. S. Yıldırım (2014), "Relationship between Uncertainty Avoidance Culture, Entrepreneurial Activity and Economic Development", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, vol. 150.
- Hanohov, R. and L. Baldacchino (2018), "Opportunity Recognition in Sustainable Entrepreneurship: an Exploratory Study", *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, vol. 24, no. 2.
- Kellermanns, F.W. et al. (2008), "An Exploratory Study of Family Member Characteristics and Involvement: Effects on Entrepreneurial Behavior in Family Firms", *Family Business Review*, vol. 21, no. 1.
- Kyndt, E. and H. Baert (2015), "Entrepreneurial Competencies: Assessment and Predictive Value for Entrepreneurship", *Journal of Vocational Behavior*, vol. 90.
- Saiz-Alvarez, J. M., A. C. Martínez, and C. C. A. Martínez (2014), "An Entrepreneurial Well-being Model based on GEM Data for Spain", *IJIMAI*, vol. 2, no. 5.
- Tajeddini, Kayhan (2010), "Effect of Customer Orientation and Entrepreneurial Orientation on Innovativeness: Evidence from the Hotel Industry in Switzerland", *Tourism Management*, vol. 31, Issue 2.
- Vuorio, A. M., K. Puumalainen, and K. Fellnhofer (2018), "Drivers of Entrepreneurial Intentions in Sustainable Entrepreneurship", *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, vol. 24, no. 2.